

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نېاشد تن من مېباد بدین بوم و بر زنده یک تن مېباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Social

اجتماعی

هيوادوال کابلی

اول می ۲۰۱۰

یاد از یک کارگر هموطن

همواره رسم بر این بوده است که فقط با درگذشت فرد ، از زحمات و از خودگذری های وی حرف زده شده و خوبی های وی بر شمرده شود. این روش خواسته یا ناخواسته مشخصه کدام قشر یا طبقه اجتماعی یا کدام تمایل سیاسی و اندیولوژیک چپ و راست نیست بلکه خلاء و کمبودی است که در حیات اجتماعی ، در سطح ملی و بین المللی به مشاهده می رسد.

مگر با آنکه مشاهده آنگونه «خلاء معاشرتی» منحصر به منشاء خاص اجتماعی نیست ، نظام های حاکم موجود در جهان ، روی منافع استعماری و استثمارگرانه خود ، آن مهره ها و عناصری را که در خدمت منافع غارتگرانه خود دارند ، در انتظار پراهمیت ، معتبر ، مبراء از سوء ظن ، با صلاحیت در تصامیم سرنوشت ساز کشورهای شان جلوه داده و بر اذهان عامه تحمیل می نمایند. چه بسا که عناصر خدمتگار نظام های غارت و استثمار ، از اساس تربیت دیده خود آنها بوده و یا هم از میان عناصر سست اراده ، زورگو و مشکوک جامعه برای پیشبرد اهداف شوم غارتگران سربازگیری می شوند. در هر دو حالت ، «خلاء معاشرتی» را که یادآور شدم ، زورمندان با استفاده از امکانات وسیع مادی و تخنیکی ، به سود منافع طبقه یا طبقات خود پر نموده و به وسیله تبلیغات هدفمند که شرطی ساختن اذهان مردم را موجب می شود ، از فرد پوچ و بی شخصیت ، انسان پراهمیت و گویا قابل احترام می سازند. نمونه های آن در سطح ملی و بین المللی کم نبوده و هر کدام از هموطنان عزیز ما بدون شک با چندنمایی از «محصولات» دستگاههای عوامفریبی قدرت های استعماری و استثمارگر آشنائی دارند.

به عکس ، درست توده ها ، «خلاء معاشرتی» نام برده به شکل تأثیر آوران دستخوش بی توجهی بوده ، پادزهری در برابر تبلیغات و «بزرگساز» های استعماری به شکل مؤثر آن وجود ندارد و افراد با شخصیت ، زحمتکش ، فداکار و حتی با اطمینان می توان گفت: قهرمانان گمنام ، در عالم بی تفاوتی ، با دیو ظلم و استثمار پنجه نرم نموده و غم خود را به تنهایی و در سکوت به اصطلاح حل می نمایند. و این نکته هم قابل یادآوری است که آن فرزندان زحمتکش و پاک نهاد جامعه به صورت حتم در کشورهای فقیر و جوامع به اصطلاح جهان سوم به سرنبرده بلکه به شمار صدها هزار و میلیون و ملیون ها ، در همین جوامع گویا پیشرفته و «متمدن» ، زندگی بس دشواری را با شهامت و حوصله مندی تحسین برانگیز به پیش می برند.

از آن جمله است ، روند زندگی شیرزنی از ملت دربند ولی حماسه آفرین ما که به اضافه تحمل صبورانه رنج جانکاه جلاوطنی ، واکنش های نژادپرستانه ، ضد بیگانه و ضد بشری جوامع غرب که وقتاً فوقتاً فرد مهاجر را آماج کین و زهرافشانی خود قرار می دهند ، اندکی هم به هراس نیفتاده و از همکاری فعال ، در راه انداختن اکسیون ها و تظاهرات ضد استعمار و ضدارتجاع در این مدت نزدیک به سی سال ، دریغ ننموده و با متانت و تواضع شریفانه ای که خاصه بسا زنان افغان است ، سهم خود را در راه دفاع از حقوق مردم ستمدیده و حرمان کشیده خود اداء نموده است.

آری! این خانم ارجمند و غیور، یک کارگراست و جا دارد که در روز خجسته اول می از وی - به عنوان رعایت دین اخلاقی - یاد نمود. وی سالهاست که با نیروی اراده و ایثار، دشوارترین کارهای روی ماشین فابریکه و شناخت نظری ناگزیر آن را با ذکاوت و حوصله مندی به پیش برده، تحسین و تمجید همکاران خود را به همراه داشته است.

در ضمن همانگونه که متأسفانه همواره معمول است، کار دشوار میان منزل خانم ها - حتی از طرف عزیزان نزدیک شان - با سکوت و بی تفاوتی مواجه شده و تلویحی با آن برخورد می شود. و چنین است که این خانم با افتخار و کارگرا به شهادت، بعد از رهایی از زندان کارفرما، بدون لحظه ای راحت و رفع خستگی، در استنثار دیگری که اینبار دوستانه و عاطفی و به صورت «طبیعی»...، از جانب عزیزان خودش صورت می گیرد، فرو می غلتد. پس تعجبی ندارد اگر با گذشت زمان، پیشرفت سن و عدم استراحت کافی و عدم امکان خواب کافی، ناراحتی های جسمی و فشار روانی بروز نماید.

بالنهم این زن شجاع با مشکلات و دشواری های روزانه دست و پنجه نرم نموده و برای رعایت خاطر عزیزان، خمی به ابرو نمی آورد. مشخصه نیکو و شریفانه دیگر این زن افغان، رسیدن خواهرانه به تشاویش و غم و اندوه دیگران است - چه هموطن و چه دوستانی از ملل دیگر - تا آنجائی که بر جمع دوستان وی همواره افزوده می شود. بارها به ثبوت رسیده است که بدرفتارترین و بهانه جوترین فرد در محیط کار، در برابر شرافت و اخلاق این زن افغان، سر تعظیم فرود آورده و با مدارا و احترام برخورد نموده است.

ولی به خلاف ادعاها و ظواهر، و تبلیغات رسانه ها که کارفرمایان را در مضیقه اقتصادی نشان می دهند، بحران عالمگیر سرمایه رقم سود استثمار و بهره کشی زورمندان و کارفرمایان را به آسمان رسانده است و این زحمتکشان جامعه و دقیقاً کارگران فابریکه ها هستند که قیمت بس گران بحران اقتصادی را با عرق جبین و آخرین نیروی بازوی خود، هر روز و هر آن، می پردازند. به عبارت دیگر، از آغاز بحران اقتصادی در جهان تا امروز، ماشین بهره کشی کارفرمایان چندین برابر سریع تر شده و با پامال نمودن بیشتر و وقیحانه تر حقوق کارگران، دزدان کف و کالردار پول های بزرگی را به جیب می زنند.

در مورد کارگر شریف مورد بحث ما، موضوع از همین قرار است زیرا صنعت دواسازی - با کمال تأسف - همواره بازار داشته و دارد و چه بسا که با شیوع مرضی درد دنیا، کارفرمایان دواسازی، پنهانی و بعضاً آشکار به شور و هلهله افتاده و با تجسم سود هنگفت از درک فروش ادویه، خوشی خود را - در مرگ و بدبختی ناشی از مرض - به مشکل می توانند پنهان نمایند...

و این فقط زن کارگری از تبار سلحشوران است که به خود جرأت می دهد که نا انسان بودن کارفرما را با شهادت بی نظیر، در برابر همه کارگران و مسئولین فابریکه به رخ وی کشیده و بگوید: «آری! این درست است که شما در خدمت مریضان هستید ولی بفرمائید بگوئید چه تعداد مریض دیگر (در اینجا) به باری می آورید؟»

افتخار به این زن با شهادت هموطن!

افتخار به همه زنان کارگر!

پیروزی مبارزه کارگران جهان!